

# \*در همبستگی با جرمی کوربین

## بارنبی رین

### ترجمه از پریسا امجدی

دنیایی وجود دارد که شما میتوانید در صفحات روزنامه های صبح و در بولتن های خبری عصر تلویزیون پیدا کنید. دنیایی با ثبات لرزان، جایی که در آن شغل، خانه و امنیت شما توسط "رادیکال هایی" با موها و لباس های عجیب و غذاهای خارجی تهدید می شوند. دنیای وحشت زده و وحشت برانگیزی که بیش از پنج سال است که در معرض تهدید این "رادیکال های مخوف" بوده و حالا نژادپرستی هم به لیست این تهدیدات اضافه شده است. حالا اینطور گفته میشود که چپ یک گروهک ضد یهود است. در گزارشات خبری طویل، حضرات محترم سرشان را از وحشت تکان می دهند و به ما می گویند که این سرطان نژادپرستی کوربینی باید زوده شود، و در پاسخ به چنین ادعایی برخی از چپ ها بر این باور هستند که نژادپرستی چندانی وجود ندارد. حال زمان آن رسیده که به این چرندیات پایان دهیم.

بریتانیا سرزمینی است که کارگران سیاه و قهوه ای خود را در طبقات بالای بلوک مسکونی اسکان داده بود که وقتی دچار حریق شد و سوخت، چهره مردگان بجا مانده از آن تاریک بود. آن ساختمان، آن آتش فرمانده استعماری و قاتل مردم ایرلند و آفریقا را داشت، - و، (Grenfell) سوزی، نام فرانسویس گرنفل اکنون نام قربانیان فاجعه واحد مسکونی گرنفل، بازماندگان قربانیان او در دوران استعمار، برای همیشه با نام او گره خورده است. این همان بریتانیایی است که دولت آن تهدید میکند که تمام توان نیروی دریایی خود را برای مقابله با قایق های پلاستیکی دست سازی بسیج خواهد کرد که سرنشینان شوربخت آن در جستجوی امنیت و زندگی بهتر هستند. این همان بریتانیایی است که مسلمانان خود را مدام زیر نظر دارد تا از گردن گذاشتن به "ارزش های بریتانیایی" طفره نروند.

اگر فکر می کنید "که بله، اما یهودی ستیزی پدیده ای متفاوت است، و اربابان سیاسی ما نسبت به یهودیان دید روشنی دارند و بردبار هستند"، پس باید بدانید که نخست وزیر ما (بوریس جانسون) رمانی نوشته بود که پر است از کلیشه های ضد یهودی کاسبانی با بینی های بزرگ و عقابی. باید بدانید که پرنس چارلز، وارث تاج و تخت در بریتانیا، یکبار از تسلط لابی یهودی ها در آمریکا شکایت کرده بود. باید بدانید که الستر کمبل (مشاور تونی بلر نخست وزیر سابق بریتانیا) در جریان یکی از انتخابات پارلمانی، رقبای یهودی

خود را به شیلوک، فاگین و خوک های پرنده تشبیه کرد. چیزی از بریتانیا نمی دانید اگر که فکر می کنید که نژادپرستی با این سواحل بیگانه است؛ و اعلام اینکه حزب کارگر همیشه بر علیه نژادپرستی بوده، توهین آشکار به همه کودکان پناه جویی است که با تصمیمات محاسبه شده ای که دولت بلر برای ساکت کردن مطبوعات دست راستی اتخاذ کرد، و اثبات اینکه حزب کارگر میتواند به اندازه رقبای محافظه کارش در مقابل فقرا و خارجی ها سخت گیر باشد، به فقر و آواره گی کشیده شدند. اولین فعالیت سیاسی من، کار داوطلبانه در کنیسه محلی مان برای کمک به پناهندگانی بود که توسط حزب کارگر در قدرت، بی خانمان شده بودند.

طرفداران کوربین و چپ نیز از این پیشداوری ها مصون نیستند. من هم بعنوان یک یهودی بریتانیایی چند سالی است که این موضوع را خاطر نشان کرده ام. در سال های پس از سقوط مالی ۲۰۰۸ یهودی ستیزی افزایش پیدا کرده است، پدیده ای محصول دنیای نا امن و از خود بیگانه، دنیایی که مردم از هر دو جناح چپ و راست به دنبال پاسخ های کژ و ساده هستند. جدال نه بر سر وجود نژادپرستی، بلکه باید بر سر چگونگی مبارزه با آن باشد، - و من وفادار به سنتی هستم که در آن مقابله با نژادپرستی را در سیاستی جستجو می کند که در آن کرامت انسانی برای همه و در مقابله با خشونت امپراتوری و سرمایه، به ارمغان آورده می شود، و به این امر آگاهی دارد که تعصب و کینه توزی، زاده جهانی در هم شکسته است، جهانی که ما باید بطور کامل دگرگون کنیم.

ما امشب اینجا هستیم تا از جرمی کوربین حمایت کنیم، چرا؟ من شنیده ام که او انسان خوبی است اما این دلیل علاقه من به او نیست. برای من مهم این است که او از کجا آمده و دلیل سیاسی شدن او چه بوده است. او رادیکالیسم خود را در جوانی در جامائیکا آموخت. او در موجی از خوشبینی جنبش آزادیخواهانه جزیره جامائیکا به رهبری مایکل منلی قرار گرفت، جنبشی که پرچمدار حقوق کارگران در جامائیکا و همبستگی با جنبش های رهایی بخش جهان سوم در سطح جهان بود. مایکل منلی خواهان حداقل دستمزد، آموزش رایگان، اصلاحات ارضی، مبارزه با بیسوادی و بسط حق رای دمکراتیک بود. او این اقدامات را زمانی که در قدرت بود انجام داد و اصرار داشت که تحقق آنها در گرو خروج جامائیکا از مدار خفقان دولت آمریکاست. کوربین با شوری که از اقدامات منلی گرفته بود به سراسر آمریکای جنوبی سفر کرد. در شیلی او دوش بدوش هزاران نفر در مراسم بزرگ اول ماه مه و در حمایت از آئنده شرکت کرد. در آخرین سخنرانی خود در انتخابات عمومی گذشته، کوربین خاطره یک نوازنده شیلیایی که مطمئنا برای بیشتر مخاطبان جوانش ناشناخته است را زنده کرد. او به حاضرین گفت که ویکتور خارا، تا زمانی که نیروهای پینوشه او را به اسارت گرفتند، گیتار و دستانش را شکستند و او را کشتند، آواز انقلاب خواند. کوربین در

ادامه، شعر ویکتور خارارا را نقل کرد: "گیتار من برای ثروتمندان نیست - نه، چیزی شبیه به آن نیست. آهنگ من جزئی از نردبانی است که برای رسیدن به ستاره ها می سازیم."

جرمی کوربین از دل چنین دنیایی بوجود آمد. صفحات بسیاری از روزنامه ها با نالیدن بر سر عجیب بودن این پدیده سیاه شده اند، یا جنون دیوانگی مخاطب قرار دادن شهروندان بریتانیا با چنین تعهدات عجیب و غریب به سرزمین های دوردست را به سخره گرفته اند، اما آنها اشتباه میکنند. انترناسیونالیسم کوربین زاده اعتقاد به منافع مشترک است. از شیلی تا الجزایر، لندن تا پرتوریا، رادیکال ها فکر می کردند که بختشان با هم گره خورده است، که آنها یا با هم پیروز خواهند شد یا شکست خواهند خورد. حق با آنها بود. سیاست طبقاتی اکنون غالباً در تضاد با سیاست هویتی است، اما مسئله از این هم فراتر است: خیزش بین المللی ۱۹۶۸ نشان داد که مردسالاری، استعمار نو و سرمایه، ساختارهای خفه کننده ای هستند که باید بدست دوزخیان روی زمین جارو شوند. هدف رهایی از سلطه استعمار، قدرتمند کردن مردم در همه جا برای ایستادن و زانو نزدن بود. مطبوعات زرد دهه ۸۰ همانقدر از "چپ دیوانه" برای پرچمداری رهایی دگرباشان جنسی، قدرت سیاهان و رهایی زنان متنفر بودند که از تعهد آن به آزادی طبقه کارگر.

اهمیت فلسطین برای ما از همین جاست. ما اهمیت میدهیم چرا که مردم سراسر دنیا زمانی از شجاعت و صلابت مردم ویتنام الهام گرفتند، مردمی که با امکانات محدود، قدرت عظیمی را به چالش کشیدند و خواستار استقلال شدند. این همان کاری است که مردم آفریقای جنوبی نیز در طی سال های طولانی زندان و باطوم پلیس انجام دادند. اکنون در آخرین جولانگاه فعال استعمار اشغالی در جهان، و در تقابل با پاسگاه های بازرسی و محاصره، مردم فلسطین از جنبشی صحبت می کنند که در رگ های ما هم جاری است: حق زندگی با کرامت.

اینها آرزوهایی هستند که برای مدتی کوتاه جریان اصلی زندگی بریتانیا را در حالی که کوربین رهبر حزب کارگر بود تحت تاثیر قرار داد، آرزوهایی که همیشه و به دور از توجه روزنامه نگاران و مفسران وجود استوارت، (CLR James) سی. ال. آر جیمز، (Saklatvala) داشته اند. آنها آرزوهای ساکلات والا هستند. آنها آرزوهای هر مبارز گمنام و ناشناخته (Sivanandan) و سیواناندان، (Stuart Hall) هال ای هستند که فریاد کشیدند "سیاه و سفید، اتحاد، مبارزه"، و در تلاش برای دستیابی به دنیایی بهتر بر نکبت های تفرقه و نفرت غلبه کردند. ما باید این سنت ها را برای جهانی کاملاً متفاوت باز آفرینی کنیم، ما به آنها هنوز و بشکل مبرمی نیاز داریم. قلعه های یخ ذوب میشوند، دریاها طغیان میکنند، جنگل ها میسوزند و دیوارها بالا می روند، و این هرگز اینچنین حقیقت نداشته است که ما یا همه با هم پیروز می شویم و یا اینکه برخی از ما خواهند سوخت و برخی دیگر غرق خواهند شد.

پس، از نشان های ضد سرمایه داری و امپریالیسم استفاده کنید و آنها را نشان کرامت، آزادی و بقا در مقابل فرهنگی بخوانید که جهان را می سوزاند. با نژادپرستی بجنگید، با یهودی ستیزی مبارزه کنید، و در همان حال این کلمات تورات را بخاطر بسپارید: "از عدالت کامل پیروی نما."

.....  
در روز (Momentum) این متن ویرایش شده سخنرانی نویسنده است که در گردهمایی گروه مومنتم \*

جمعه 29 اکتبر 2020 ایراد شد

\*\*\*\*\*

برگرفته از:

<https://vashtimedia.com/2020/10/31/i-stand-with-jeremy-corbyn/>